



## An analysis of the support policies of the 9th to 12th governments in the field of increasing employment and reducing inflation in Iran

Soghara Azmash Asiyabasri<sup>1</sup>, Mehrdad Mohammadian\*<sup>2</sup>, Nader Moti Haqsheesh,<sup>3</sup> Mohammad Mahdi Labibi<sup>4</sup>  
(Receipt: 2023.08.03- Acceptance:2023.09.02)

### Abstract

In today's era, the poverty and misery of human societies are the most important social issues. Rich countries in society challenge the development process in various economic, social and cultural fields. In this regard, different governments use support policies to fight poverty and reduce it. This research has investigated the impact of the support policies of the 9th to 12th governments on the problems of poverty and economic misery in Gilan province. In order to collect data, a technical interview was used and the purpose sampling method was used to select cases. The interview process continued after reaching the theoretical saturation stage after conducting 37 interviews. Data collected using MAXQDA coding and analysis software. The results show that in the field of health, the Ahmadinejad government focused on prevention and treatment in the family doctor plan, job creation, providing all sections of the society with health booklets and reducing treatment costs, and the Rouhani government by creating structural reforms in the health and treatment system and providing the basis Extensive insurance coverage has taken positive steps. In the field of housing, Mr. Ahmadinejad provided a platform for the development of urban development with his comprehensive management of housing distribution and created many jobs for young people and job seekers. This is while, as a result of Rouhani's government's policies, problems such as the formation of a housing bubble, a decrease in the amount of constructions, and also the intensification of internal migrations are observed as a result of the loss of employment opportunities. The Ahmadinejad government, by implementing redistribution policies, the Imam Reza Stamp Fund plan, the plan for early-returning enterprises, the distribution of equity shares and the targeting of subsidies, and the Rouhani government, by expanding the support umbrella for government institutions, tried to reduce the degree of relative deprivation among different classes. Society to reduce. In the field of educational growth, the number of non-profit schools in the mentioned governments and the creation of educational inequality are among the most important categories of statistics.

**Keywords:** social policies, poverty, education, employment, provision and social welfare

<sup>1</sup> PhD student of Sociology, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran n.azmaysh@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran  
(corresponding author): dr.mhm@gmail.com

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Population Economics and Human Capital, Country Population Research Institute, Tehran, Iran. nader.haghshenas@nipr.ac.ir

<sup>4</sup> Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.  
labibi\_mehdi@yahoo.com



jssc.2023.1993006.2125/10.30495



## تحلیلی بر سیاستهای حمایتی دولت نهم تا دوازدهم در زمینه افزایش اشتغال و کاهش تورم در ایران

صغرا آزمایش آسیابسری<sup>۱</sup>، مهرداد محمدیان<sup>۲\*</sup>، نادر مطیع حق شناس<sup>۳</sup>، محمد مهدی لیبی<sup>۴</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱)

### چکیده

در عصر حاضر فقر و فلاکت جوامع بشری از مهم‌ترین مسائل اجتماعی محسوب می‌شود. شیوع فقر در جامعه، فرآیند توسعه را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با چالش مواجه می‌سازد. در همین راستا، دولت‌های مختلف از سیاست‌های حمایتی به منظور مبارزه با فقر و تعدیل آن استفاده می‌کنند. این پژوهش به بررسی تاثیر سیاست‌های حمایتی دولت‌های نهم تا دوازدهم بر پدیده فقر و فلاکت اقتصادی در استان گیلان پرداخته است. به منظور گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه و برای انتخاب موردها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. فرآیند مصاحبه با رسیدن به مرحله اشباع نظری بعد از انجام ۳۷ مورد مصاحبه ادامه یافت. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که در حوزه سلامت دولت احمدی‌نژاد با محوریت پیشگیری و درمان در طرح پزشک خانواده، اشتغالزایی، برخوردارنمودن همه اقشار جامعه از دفترچه سلامت و تقلیل هزینه‌های درمان؛ و دولت روحانی با ایجاد اصلاحات ساختاری در نظام بهداشت و درمان و فراهم نمودن زمینه‌های پوشش بیمه‌ای گسترده گام‌های مثبتی برداشته‌اند. در حوزه مسکن، احمدی‌نژاد با مدیریت جامع توزیع مسکن بستر توسعه شهرسازی را فراهم کرده و موجب اشتغالزایی زیادی برای جوانان و افراد جویای کار شد. این درحالی است که در نتیجه سیاست‌گذاریهایی اشتباه دولت روحانی، مشکلاتی همچون تشکیل حباب مسکن، کاهش میزان ساخت و سازها و همچنین تشدید مهاجرت‌های داخلی و در نتیجه از بین رفتن زمینه‌های اشتغال مشاهده می‌شود. دولت احمدی‌نژاد با اعمال سیاست‌های بازتوزیعی، طرح صندوق مهر امام رضا، طرح بنگاه‌های زودبازده، توزیع سهام عدالت و هدفمندسازی یارانه‌ها و دولت روحانی با گسترش چتر حمایتی برای مددجویان نهادهای دولتی تلاش کردند تا با حمایت از اقشار مختلف جامعه و مشخصاً اقشار آسیب‌پذیر، آنها را در دستیابی به منابع موجود بهره‌مند نمایند. به طوری که کمتر کسی در جامعه به دلیل عدم دسترسی به منابع مورد نیاز احساس محرومیت کند. در حوزه آموزش رشد نجومی تعداد مدارس غیرانتفاعی در دولت‌های مذکور و ایجاد نابرابری آموزشی از مهم‌ترین مقوله‌های احصاء شده می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست‌های اجتماعی، فقر، آموزش، اشتغال، تامین و رفاه اجتماعی

n.azmaysh@gmail.com  
dr.mhm@gmail.com  
nader.haghshenas@nipr.ac.ir  
labibi\_mehdi@yahoo.com .

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران  
<sup>۲</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران (نویسنده مسئول)  
<sup>۳</sup> استادیار گروه اقتصاد جمعیت و سرمایه انسانی، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران.  
<sup>۴</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران



## مقدمه

یکی از آسیب‌هایی که امروزه تمامی کشورها در معرض تهدید آن قرار دارند، پدیده فقر است. در عصر جهانی شدن، علیرغم پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی و رفاهی و تاثیرات سازنده در شیوه زندگی بخشی از جامعه بشری، همچنان بخش عظیمی از جمعیت جهان در منتهای فقر و فلاکت به سر می‌برند. جهانی شدن از یک سو باعث ارتقا روزافزون سطح زندگی در کشورهای پیشرفته صنعتی شده است و از سوی دیگر موجبات رکود و عقب‌ماندگی هر چه بیشتر بسیاری از کشورهای فقیر، به ویژه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را فراهم کرده است (ی و جدی، ۱۳۸۷: ۲). در سال ۲۰۱۹، ۱/۳ میلیارد نفر در ۱۰۱ کشور جهان در فقر به سر می‌بردند. به همین خاطر، برنامه توسعه ملل و توسعه انسانی و فقر آکسفورد، رفع فقر در همه اشکال آن را تا سال ۲۰۳۰ برای اهداف توسعه پایدار جهانی در اولویت قرار داده‌اند. می‌توان ادعان نمود که موفقیت در کاهش فقر جهانی به تحلیل دقیق فقر و عوامل مؤثر بر آن بستگی دارد (گوشنگو و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۲۰: ۲). هرگونه بی‌توجهی به افزایش آمار فقر و نابرابری در جامعه می‌تواند تبعاتی همچون افزایش مشاغل کاذب، جرم و بزهکاری، تاثیر منفی بر سطح سلامت عمومی و کاهش انگیزه تحصیل در مقاطع بالاتر بین افراد کم‌درآمد را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، گسترش فقر و نابرابری درآمد باعث ایجاد نارضایتی بین اقشار ضعیف جامعه می‌شود و می‌تواند به کاهش حمایت مردم از حکومت منجر شود و از آنجا که بقای نظام سیاسی در هر کشوری به رضایت عموم مردم از حکومت وابسته است، گسترش فقر و نابرابری درآمد خطری جدی برای بقای نظام سیاسی کشور به شمار می‌آید (میر، ۱۴۰۰: ۳۳).

از طرفی، شاخص فلاکت با مفاهیم تورم و بیکاری مورد سنجش قرار می‌گیرد. تورم به صورت افزایش عمومی قیمت کالاها و خدمات در اقتصاد یا به عبارت دیگر کاهش عمومی ارزش پول تعریف می‌شود (مرکز پژوهش‌های کنگره آمریکا<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۳). بیکاری و تورم بالا دو عامل اقتصادی بسیار مهم هستند که هر دو تبعات و هزینه‌های اجتماعی بسیار بالایی دارند. محققان بسیاری تاثیر این دو عامل را بر آسیب‌ها و مسائل اجتماعی مهمی همچون طلاق، جرم، فقر، خودکشی سنجیده‌اند و حتی برخی معتقدند که میزان شاخص فلاکت با میزان جرم و جنایت در یک جامعه ارتباط مستقیم دارد به گونه‌ای که هرچه میزان شاخص فلاکت افزایش یابد میزان جرم و جنایت نیز در آن کشور افزایش می‌یابد. اهمیت این شاخص در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های یک کشور به حدی است که حتی در پیش‌بینی نتایج انتخابات‌ها نیز این شاخص مورد استفاده قرار می‌گیرد (بابایی، ۱۳۹۴: ۳۵). بر اساس داده‌های بانک جهانی (۲۰۱۶)، اقتصاد ایران از نظر بالا بودن تورم برابر نرخ تورم برابر با ۸/۶۰، در میان ۲۰ کشور نخست، در کنار اقتصادهایی مانند برزیل، نپال، لیبی، اروگوئه، موزامبیک، سیرالئون و هائیتی قرار داشت. از نظر نرخ بیکاری نیز

<sup>9</sup>-Gweshengwe et al.

<sup>10</sup>-Congressional Research Center



jscc.2023.1993006.2125/10.30495



براساس آمارهای سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۷ ایران با نرخ برابر ۱۳/۱، در مقایسه با کشورهای منطقه از وضعیت مناسب برخوردار نیست. همچنین براساس گزارش مرکز آمار ایران طی ده سال اخیر (۱۴۰۰-۱۳۹۰)، نرخ بیکاری از ۱۲/۳ درصد به ۸/۸ درصد و نرخ تورم مصرف کننده از ۲۹/۵ درصد به ۴۶/۷ درصد رسیده است. ضریب جینی نیز نشان می‌دهد در طی ده سال اخیر شکاف طبقاتی افزایش یافته و مقدار آن در سال ۱۳۹۰، ۳۷ درصد و در سال ۱۳۹۹، ۴۰/۶ درصد رسیده است (گزارش مرکز آمار ایران).

با توجه به ضرورت مسأله، در کشور ما نیز همچون سایر کشورها به منظور مبارزه با فقر و فلاکت و کاهش محرومیت، سیاست‌های اجتماعی گوناگون و متعددی توسط دولت‌های مختلف اتخاذ شده است. در ایران، دولت، بازیگر اصلی اجرای سیاست اجتماعی است و این تلقی وجود دارد که سیاست اجتماعی در حوزه‌های تامین اجتماعی، رفاه، سلامت و درمان و آموزش محصول سیاست‌های دولت است. به طوری که از جریان‌های سیاسی و الگوهای متفاوت قدرت تاثیر گرفته و با تغییر دولت‌ها این سیاست‌ها نیز تغییر می‌کنند (امجدی، ۱۳۹۹: ۱۷۸). طرح‌ها و برنامه‌های حمایتی و اجتماعی دولت‌ها عموماً در قالب سیاست اجتماعی مطرح می‌شوند که اشاره به اقداماتی است که به رشد بهینه زندگی شهروندان و یا جمعیت هدف کمک می‌کند. مفهوم سیاست اجتماعی به طور معمول به مسائلی همچون تامین اجتماعی، مسکن، بهداشت و درمان، خدمات اجتماعی و آموزش از طرف دولت مربوط می‌شود. سیاست اجتماعی ظرفیت ویژه‌ای برای ارائه روایتی خردمندانه از پویایی‌های سیاسی و توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. سیاست اجتماعی به معنای راهکارها یا وسایلی است که به کمک آن‌ها می‌توان بهزیستی افراد را در جامعه ارتقاء داد. هدف نهایی سیاست اجتماعی صرف بقاء نیست، بلکه دستیابی فراگیر و شمول اجتماعی، وقار، فرهنگندی و شایستگی اجتناب‌ناپذیر است برای دستیابی به یک جامعه نیک و پسندیده (امجدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۸). در واقع، این اقدامات غالباً با مداخلهٔ عاملان بیرونی، مانند مؤسسات و کارگزاران بین‌المللی، ملی، دولت‌ها و غیره صورت می‌گیرد که در این بین دولت‌ها نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کنند (شکوری، ۱۳۸۷: ۱۳۳). در این رابطه می‌توان اشاره کرد که از سال ۱۳۶۷ به بعد در تمامی برنامه‌های اقتصادی و در لوایح بودجه، مقوله فقرزدایی مورد توجه بوده است و هر سال مبالغ قابل توجهی برای کاهش فقر در نظر گرفته شده است. جهت‌گیری کلی این برنامه‌ها در زمینه فقر زدایی شامل توسعهٔ خدمات اجتماعی با اولویت بخش‌های آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، بهزیستی و تامین اجتماعی، بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مردم، محرومیت‌زدایی و توسعهٔ مناطق محروم و روستایی و توزیع عادلانه درآمد بوده است (خداداد کاشی و شمسی، ۱۳۹۱: ۱۵۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد که در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به رغم اجرای سیاست‌ها و رشد اسمی مبالغ صرف شده برای فقرزدایی و اجرای شش برنامه توسعه طی ۳۲ سال اخیر، فقر درآمدی و فقر چند بعدی همچنان یک چالش مهم در اقتصاد ایران باقی مانده است و در این شرایط، همانند سایر کشورها، به یک راهبرد منسجم و یکپارچه برای مبارزه با فقر در ایران نیاز است (میرجلیلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۹۵). علیرغم برخورداری استان



jscc.2023.1993006.2125/10.30495



گیلان از منابع طبیعی خدادادی از جمله دسترسی به دریا و بهره‌مندی از جنگل و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و قرار گرفتن در مسیر کریدور جنوب به شمال و ترانزیت کالا به کشورهای آسیای میانه و اروپا، سطح فلاکت اقتصادی ۴۳/۱ درصد در سال ۱۳۹۹ هـ.ش اعلام شد به طوری که نرخ بیکاری ۸/۱ و نرخ تورم ۳۵ درصد می‌باشد (اقتصاد ۲۴: ۲۰: اردیبهشت ۱۴۰۰). با توجه به آنچه که مطرح شد برای فهم ابعاد این موضوع و دستیابی به عمق پدیده فقر و فلاکت در استان گیلان و اثرگذاری سیاست‌های حمایتی دولت‌های نهم تا دوازدهم بر آن، لازم است که با نگاهی چند بعدی و عمیق به این مسئله پرداخته شود. بنابراین، مسئله عمده پژوهش حاضر این است که اثربخشی سیاست‌های حمایتی بر شاخص فقر و فلاکت اقتصادی (تورم- بیکاری) در استان گیلان چگونه بوده است و کدام متغیرهای جامعه شناختی نقش تعدیل‌گر در این میان داشته‌اند؟

### ادبیات مفهومی پژوهش

رسیدن به عدالت اجتماعی و توزیع منابع و امکانات در جهت برخورداری آحاد جامعه از رفاه اجتماعی همواره مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. دخالت دولت‌ها در افزایش رفاه اجتماعی در پی مطرح شدن تفکر توسعه و ضرورت توجه به شاخص‌های توسعه اجتماعی، کاهش فقر و بیکاری در دهه ۱۹۵۰ تا رکود جهانی در دهه ۱۹۸۰ را نشان می‌دهد. جامعه‌شناسان با ورود به مباحث توسعه اقتصادی و اجتماعی، خواستار تغییر رویکرد دولت‌ها از سرمایه‌گذاری در بخش‌های فیزیکی و زیرساختی به سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و توجه به امنیت، رفاه و سایر مؤلفه‌های توسعه انسانی در قالب «سیاست‌های حمایتی» تأکید داشتند. سیاست حمایتی اقدامی آگاهانه از سوی سیاست‌گذار با ایجاد ترتیبات نهادی بر مبنای باورها و ارزش‌های سیاست‌گذاران و سیاست‌پذیران است که بخش عمومی بنگاه‌ها و خانوارها را تحت تاثیر قرار می‌دهد (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲). چارلز موری<sup>۱۱</sup> جامعه‌شناس امریکایی در تئوری «فرهنگ وابستگی»<sup>۱۲</sup> حمایت‌های دولت از طبقه پایین را موجب ظهور «خرده فرهنگی» می‌داند که فرد به جای تلاش و خودکفایی به نهادینه نمودن «فرهنگ فقر» می‌پردازد. مقصود وی از اصطلاح فرهنگ وابستگی، افراد فقیری است که به جای تلاش برای وارد شدن در بازار کار به مستمری‌های رفاهی دولت تکیه می‌کنند، بنا به استدلال موری، رشد دولت رفاه خرده فرهنگی خلق کرده است که بلند پروازی‌های شخصی و توان خودیاری افراد را از پایه و اساس ویران می‌کند. کسانی که به این سیاست‌های رفاهی وابسته می‌شوند، به جای آینده‌نگری و تکاپو برای دستیابی به زندگی بهتر، فقط به دریافت صدقه قناعت می‌کنند، به نظر او سیاست‌های رفاهی انگیزه کار مردم را از بین برده است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۵۷۶).

<sup>۱۱</sup> - Charles Murray

<sup>۱۲</sup> - Dependency culture



jscc.2023.1993006.2125/10.30495



پیر بوردیو<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۵)، در تئوری «تضاد فرهنگی» بر خورداری فرد از چهار نوع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین) را تعیین کننده نوع سبک زندگی می‌داند. بوردیو معتقد است قشرهای مختلف جامعه هر یک شیوه‌هایی خاص برای بهره‌جویی از امکانات گرداگرد خود به کار می‌گیرند آن چنان که حیثیت اجتماعی آنان نیز محفوظ بماند، این شیوه‌ها سبک‌های زندگی خوانده می‌شوند. تورستین وبلن<sup>۱۴</sup> (۱۹۵۹-۱۸۷۵)، از جامعه‌شناسان و منتقدین اجتماعی با نقد نظام‌های اقتصادی معمول، معتقد بود سرچشمه کاستی‌ها و ضعف‌های اقتصاد رایج در دو تفکر ریشه‌ای است: ۱- وجود یک وضعیت نهادی معین و مفروض ۲- حساب لذت‌گرایانه (مشهدی، ۱۳۹۲: ۹۱). وبلن با توصیف ویژگی‌های «طبقه تن آسا»<sup>۱۵</sup>، مصرف تظاهری، نمایش فرهنگ توانگری و نمود فرهنگ پول‌مداری را از عناصر تمایز طبقات اجتماعی دانسته که موجب احساس محرومیت در بین طبقه فرودست می‌شود. بنابراین، از نظر وبلن، اقتصاد نهادگرا سبب پیدایش طبقه تن آسا شده که با برخورداری از قدرت و ثروت با اتخاذ سیاست محافظه‌کارانه، امکان رشد و ترقی توده مردم را سلب نموده حتی بسیاری از افراد جامعه که درآمد قابل توجهی ندارند، در دام مصرف تظاهری می‌افتند و از این طریق، منابع خود را ضایع می‌کنند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون در هیچ مطالعه‌ای به بررسی اثر بخشی سیاست‌های حمایتی اتخاذ شده بر روی فقر و فلاکت اقتصادی پرداخته نشده است، اما مطالعات چندی به محاسبه شاخص فلاکت در طی سال‌های مختلف پرداخته‌اند که در ادامه نتایج تعدادی از آنها ارائه شده است. شیرعلی (۱۳۹۹) به بررسی سیاست‌های تعدیل ساختاری دولت سازندگی و شاخص‌های فلاکت اقتصادی در ایران پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان داد شاخص فلاکت از دوره اول تا پایان دوره سازندگی با رشد همراه بوده است که نشانگر بدتر شدن اقتصاد جامعه بود به طوری که نرخ فلاکت در سال ۱۳۶۸ که ۱۷/۴ درصد بود در سال ۱۳۷۴ به ۵۸/۵ درصد رسید و نشان می‌داد کشور شاهد یک ابرتورم و نرخ بیکاری بحرانی است. از دیگر پیامدهای منفی سیاست‌های تعدیل ساختاری می‌توان به افزایش تورم (از ۱۷/۴ درصد (۴۹/۴) که آزادسازی یکباره و قطع حمایت‌های دولتی از اقشار کم درآمد عملاً کاهش قدرت خرید مردم و فشار شدید روی قشر «حقوق ثابت» شد، را نام برد. ارزش پول ملی کاهش یافت و نرخ برابری آن با دلار و سایر ارزهای معتبر به طور مستمر سقوط کرد. سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی از ۲۳/۵ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۲۰/۸ درصد در سال ۱۳۷۲ رسید. مجموع هزینه‌های خوراکی خانوارها از سال ۷۰ تا ۷۲ درصدی ۶۷ درصدی داشت و به طور کلی واردات بی‌رویه، سبک زندگی تجملاتی، رشد بخش غیرمولد نظیر واسطه‌گری توسعه یافت. نوری کوچی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «محاسبه شاخص فلاکت ایران و کشورهای افق ۱۴۰۴ و مقایسه عملکرد دولت‌های مختلف بعد از جنگ تحمیلی» بیان می‌کند یکی از معیارهای اصلی برای سنجش کارایی دولت‌های مختلف قطعاً عملکرد اقتصادی است. این موضوع که وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی در دولت‌های مختلف چه تغییراتی

<sup>13</sup> - Pierre Bourdieu

<sup>14</sup> - Thorstein Veblen

<sup>15</sup> - The Leisure Class



jssc.2023.1993006.2125/10.30495



داشته‌اند و اینکه آیا دولت توانسته با استفاده از سیاست‌های پولی و مالی متغیرهای مهم کلان اقتصادی نظیر نرخ بیکاری، تورم و رشد اقتصادی را در سطح مطلوب حفظ کند؟ سؤالی است که بسیاری از سیاست‌مداران و اقتصاددانان به دنبال پاسخ آن هستند. در همین راستا و برای سنجش عملکرد اقتصادی کشورها و دولت‌های مختلف از نشانگرهای اقتصادی متفاوتی استفاده می‌کنند. در میان این نشانگرهای اقتصادی شاخص فلاکت اقتصادی با توجه به تعریف ساده آن از یک طرف و اهمیت مؤلفه‌های آن از طرف دیگر یکی از پرکاربردترین نشانگرها در این زمینه است. او شرح می‌دهد که مقایسه شاخص فلاکت هنک در بین ایران و سایر کشورهای موضوع سند چشم‌انداز نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۶ ایران جایگاه هشتم را با نرخ فلاکت ۲۶/۹ در منطقه داشته و نسبت به سال گذشته نرخ فلاکت کشور کاهش قابل توجه ۱۲/۴ داشته است. همچنین مقایسه عملکرد دولت‌های هاشمی رفسنجانی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی نشان می‌دهد بیشترین نوسان در شاخص فلاکت مربوط به دولت‌های هاشمی رفسنجانی و احمدی‌نژاد بوده است. همچنین با توجه به خروج آمریکا از توافق هسته‌ای در دولت دوم روحانی به منظور حفظ روند کنونی به نظر می‌رسد دولت بایستی در کوتاه مدت با استفاده از ظرفیت مالی کشورهایی نظیر چین و روسیه اثرگذاری تحریم‌ها را کم کرده و در بلند مدت با ایجاد پیمان‌های دوجانبه پولی وابستگی خود به دلار را کاهش دهد. شاه‌آبادی و قربانی گلپور (۱۳۹۵) به بررسی تاثیر شاخص فلاکت بر هزینه‌های سلامت در ایران پرداختند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد بین شاخص فلاکت و هزینه‌های سلامت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بر اساس نتایج تخمین، ضریب تخمینی اندازه دولت، نرخ شهرنشینی و درآمد سرانه اثر مثبت و معنادار و ضریب تخمینی متغیر آموزش و نابرابری درآمد، اثر منفی و معناداری بر هزینه‌های سلامت در ایران دارد.

خدادکاشی و شمسی (۱۳۹۱) به بررسی اثرات سیاست‌های حمایتی بر کاهش فقر در ایران پرداختند، براساس نتایج این تحقیق در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ فقر در ایران کاهش یافته است. طی برنامه‌های اول و دوم توسعه، اندازه فقر از نوسانات و شدت بیشتری برخوردار بوده است. با شروع برنامه سوم توسعه به تدریج و به طور تقریبی در همه مناطق، میزان فقر کاهش یافته است. تقریباً در تمامی سال‌ها، میزان فقر در مناطقی همچون چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، سیستان و بلوچستان بیش از سایر مناطق بوده است. همچنین میزان فقر در استان‌هایی مانند تهران، فارس، اصفهان و قم در مقایسه با سایر استان‌ها کمتر بوده است. سیاست‌های حمایتی، تجاری و بودجه‌ای طی دوره مورد مطالعه اثر معنی‌داری بر کاهش فقر نداشته است، در حالی که سیاست‌های مالیاتی بر اندازه فقر اثر معنی‌دار داشته است.

در یک جمع‌بندی کلی پیرامون مطالعات انجام شده در خصوص شاخص فلاکت در کشور با تأکید بر سیاست‌های حمایتی می‌توان دریافت بیشتر پژوهش‌های انجام شده در رشته‌های اقتصاد و مدیریت، فارغ از اتخاذ نگاهی جامعه‌شناسانه و عمیق انجام گرفته‌اند. از این رو در این پژوهش به دنبال آن هستیم که به این خلاء با نگاهی جامعه‌شناختی به بررسی فلاکت در کشور با تأکید بر سیاست‌های حمایتی پرداخته



jssc.2023.1993006.2125/10.30495



شود. از سوی دیگر اندک پژوهش‌های جامعه‌شناختی پیرامون موضوع نیز یا از جنبه آسیب‌های اجتماعی و یا از وجه ارتباط آن با سرمایه اجتماعی انجام گرفته که به ویژه جای خالی رویکرد کیفی در پرداخت به آن احساس می‌شود؛ چراکه روش‌های به کار گرفته شده در پژوهش‌های انجام شده اغلب روش پیمایش بوده است.

### روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر کیفی بوده و با هدف تبیین ساختار ذات تجربه زیسته از اجرای سیاست‌های حمایتی و تأثیر آن بر پدیده فقر و فلاکت اقتصادی و جستجوی وحدت معنایی و توصیف درست آن از طریق تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. به عبارتی با اتخاذ این روش، هدف فهم سازه‌های ذهنی افرادی است که تأثیر سیاست‌های حمایتی را بر بیکاری و تورم تجربه نموده‌اند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری هدفمند<sup>۱۶</sup> است. در این روش، از سرپرستان خانوار با هماهنگی تلفنی قرار مصاحبه تعیین شده و تا کامل شدن تمام سطوح مقوله‌های پارادایمی، مصاحبه با آنها ادامه یافت. به عبارتی، نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد؛ ابتدا با روش هدفمند افراد مورد مصاحبه انتخاب و سپس در نمونه‌گیری نظری، برای عمق بخشیدن به داده‌ها و گردآوری داده‌های بیشتر تا رسیدن به اشباع نظری این فرایند ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها از تکنیک هفت مرحله‌ای کلایزی (۱۹۷۸) استفاده شد. در مرحله اول، در پایان هر مصاحبه و ثبت یادداشت‌برداری‌های میدانی، ابتدا صحبت‌های ضبط شده شرکت‌کنندگان مکرراً گوش داده می‌شود و اظهاراتشان، کلمه به کلمه روی کاغذ پیاده‌سازی می‌شود و جهت درک احساس و تجارب شرکت‌کنندگان چندین بار مطالعه شده است. در مرحله دوم، پس از مطالعه همه توصیف‌های شرکت‌کنندگان، زیر اطلاعات با معنی، بیانات مرتبط با پدیده مورد بحث، خط کشیده می‌شود و به این طریق جملات مهم مشخص می‌شوند. مرحله سوم که استخراج مفاهیم فرموله است، بعد از مشخص کردن عبارات مهم هر مصاحبه<sup>۱۷</sup>، سعی شد تا از هر عبارت یک مفهوم که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر فرد باشد، استخراج شود. البته پس از کسب این مفاهیم تدوین شده، سعی می‌شود تا مرتبط بودن معنی تدوین شده با جملات اصلی و اولیه مورد بررسی قرار گیرد و از صحت ارتباط بین آنها اطمینان حاصل شود. در مرحله چهارم کلایزی، بعد از استخراج کدها، پژوهشگر مفاهیم تدوین شده را به دقت مطالعه می‌کند و براساس تشابه مفاهیم آنها را دسته‌بندی می‌نماید. بدین روش، دسته‌های موضوعی از مفاهیم تدوین شده تشکیل می‌شود. در مرحله پنجم، نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند می‌یابد و دسته‌های کلی‌تری را به وجود می‌آورند. در مرحله ششم، توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه (تا حد امکان با بیانی واضح و بدون ابهام) ارائه می‌شود. مرحله پایانی اعتباربخشی با ارجاع به هر نمونه و پرسیدن درباره یافته‌ها انجام

<sup>16</sup> - Purposeful

<sup>17</sup> - Formulated meanings





می‌شود؛ به علاوه جهت استحکام تحقیق از دو معیار اطمینان‌پذیری و باورپذیری استفاده می‌شود (سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۰). در مجموع با ۳۷ نفر از شهروندان استان گیلان مصاحبه به عمل آمد. میانگین سنی پاسخگویان ۴۷ سال می‌باشد که در این میان جوان‌ترین فرد ۲۶ سال و مسن‌ترین فرد ۵۹ ساله می‌باشد؛ ۶۸ درصد پاسخگویان زن و ۳۲ درصد مرد بوده‌اند؛ بررسی وضعیت شغلی پاسخگویان حاکی از این است که ۲۹/۷۲ درصد پاسخگویان فرهنگی، ۱۹ درصد دارای شغل آزاد، ۳۲/۴۳ درصد کارمند و ۱۴ درصد خانه‌دار می‌باشند؛ همچنین، میزان ارزیابی میزان تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی (۴۸/۶۴٪) متعلق به پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی ارشد و کمترین فراوانی (۲/۷۰٪) متعلق به پاسخگویان دارای مدرک کاردانی می‌باشد.

### یافته‌های تحقیق

تحقیق حاضر با هدف تحلیل سیاست‌های حمایتی دولت‌های نهم تا دوازدهم در حوزه‌های چهارگانه سلامت، آموزش، تامین و رفاه و مسکن و تعدیل اثرات ناشی از فقر و فلاکت در استان گیلان انجام گرفت. یکی از حوزه‌های مورد مطالعه، سلامت است. سلامت به عنوان یکی از مهم‌ترین مقوله‌های سیاست‌گذاری اجتماعی و متفاوت با سایر کالاهای عمومی، جایگاه ویژه‌ای در رفاه و توسعه هر کشور دارد. از آنجا که ارتقای کیفیت به عنوان روشی برای بهبود مراقبت‌های بهداشتی در نظر گرفته می‌شود و نقش حاکمیت‌ها در شیوه اجرای نظام ارائه خدمات در بهبود پیامدهای سلامت مورد توجه گرفته است. در سال‌های اخیر دولت‌ها فعالیت‌های گسترده‌ای در راستای ارتقای کیفیت خدمات بهداشتی و سلامتی انجام داده‌اند (محمودی عالمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۲). به عبارتی، سلامتی یکی از محورهای عدالت و توسعه جوامع در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انسانی به شمار می‌رود. نظام سلامت که از دو بخش نظام عمومی سلامت و نظام مراقبت سلامت تشکیل می‌شود، با هدف تامین سلامت، افزایش رضایت و ایجاد عدالت، چهار کارکرد اصلی تولید، تامین منابع مالی، تولید منابع و ارائه خدمات را بر عهده دارد (نصرالله‌پور شیروانی و موعودی، ۱۳۹۲: ۳). تحلیل نظرات مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق حاکی از آن است که از مهم‌ترین سیاست‌ها و برنامه‌های مطرح در عرصه نظام سلامت در دولت نهم و دهم، اجرای برنامه پزشک خانواده است که بدلیل ماهیت ریشه‌ای آن، تغییرات بنیادینی در نظام سلامت و به تبع آن در رفاه مردم ایجاد می‌کند.

"جامعیت پوشش بیمه سلامت" از مقوله‌های دیگر احصاء شده از نظرات مصاحبه‌شوندگان در زمینه تاثیر سیاست‌های حمایتی دولت‌ها در حوزه سلامت می‌باشد. توسعه نظام بیمه سلامت کشور یکی از مهمترین موارد مورد تاکید در قوانین توسعه و یکی از اهداف اصلی سازمان بیمه سلامت ایران



jscc.2023.1993006.2125/10.30495



می‌باشد.<sup>۱۸</sup> مقوله مهم دیگر "تقلیل هزینه‌های درمان" است. بیمه‌های درمانی یکی از نیازهای اساسی هر جامعه هستند و گسترش خدمات بیمه همگانی و کاهش نابرابری‌ها در نظام سلامت منجر به افزایش سلامت افراد در جامعه می‌شود. به‌طور معمول، سازمان‌هایی همچون تامین اجتماعی و بیمه سلامت بخشی از هزینه‌های درمانی افراد جامعه را جبران می‌کنند. پاسخگویان بر این باورند که در دولت احمدی‌نژاد اقدامات صورت گرفته در حوز سیاست‌های بهداشت و درمان منجر به کاهش هزینه‌های درمان شده و رویکرد بکار گرفته شده در مورد همه مردم عادلانه‌تر بوده است. شیوه تامین هزینه‌های بخش بهداشت و درمان با توجه به نظام تامین مالی در کشورهای مختلف، متفاوت است و ممکن است از مالیات عمومی، مالیات خاص برای این بخش، بیمه تامین اجتماعی (به صورت پرداخت قسمتی از حقوق)، بیمه‌های درمان خصوصی و نیز از پرداخت مستقیم فرد تامین شود. هرچه سهم منابع تامین شده از مالیات و پیش‌پرداخت (پیش از بیماری) بیشتر باشد، نظام تامین سلامتی عادلانه‌تر خواهد بود و هرچه این منابع از پرداخت مستقیم بیماران در زمان بیماری تامین شود، آن نظام ناعادلانه‌تر خواهد بود (جنایی، ۱۳۹۵: ۶). بررسی نظرات و دیدگاه‌های پاسخگویان در رابطه با تاثیر سیاست‌های حمایتی دولت روحانی در حوزه بهداشت و درمان نشان می‌دهد که این دولت با اقداماتی همچون بیمه همگانی سلامت، کنترل داروهای تولید داخل و مواردی از این دست توانسته است که به پوشش بیمه‌ای گسترده در کشور دست پیدا کرده و شهروندان قادر به استفاده از امکانات این طرح می‌باشند. مساله دیگر بحث اشتغال زایی است. رشد جمعیت و افزایش نیروهای کار در مقابل تقاضای آن، منجر به محدود شدن فرصت‌های شغلی در جامعه و افزایش بیکاری شده است (شمشاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۲). با توجه به اهمیت مسأله، دولت‌ها تلاش می‌کنند با ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب از وقوع بیکاری و پیامدهای ناشی از آن جلوگیری به عمل بیاورند. بررسی نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه شونده‌گان حاکی از این است که دولت احمدی‌نژاد در زمینه اشتغال‌زایی در حوزه سلامت و جبران کمبود نیرو در این بخش موفق عمل کرده است.

### جدول شماره ۱: نمایش فرایند کدگذاری سه گانه در حوزه سلامت

مفاهیم	خرده مفاهیم	گزیده ای از داده‌های خام متن مصاحبه
	محوریت پیشگیری و درمان در طرح	"در دوره احمدی‌نژاد طرح پزشک خانواده با سرعت بیشتری اجرا شد که موجب پیشگیری و درمان زود هنگام بسیاری از بیماری‌ها در خانواده شد و موجب

<sup>18</sup> - [www.ihio.gov.ir/](http://www.ihio.gov.ir/)



jssc.2023.1993006.2125/10.30495

تجهیز و ساخت بیمارستان‌های زیادی شد و از ائتلاف وقت جلوگیری شد."	پزشک خانواده	دولت نهم و دهم	حوزه سلامت
" در دوره احمدی‌نژاد بسیاری از پرستاران و سایر کادر سلامت که با عناوین شغلی مختلف در مراکز درمان کار می‌کردند به استخدام در آمدند و آزمون‌های استخدامی بیشتری بدون نمره منفی برگزار شد که باعث شد بخش زیادی از کمبود نیرو در حوزه سلامت در آن دوره جبران شود."	اشتغال‌زایی		
"در دوران احمدی‌نژاد با تهیه دفترچه خدمات روستایی و تقویت مراکز بهداشت موجب گردید که بهداشت به همه نقاط سراسر کشور همه اقشار جامعه از سلامت بهداشت برخوردار گردند."	برخورداری همه اقشار جامعه از دفترچه سلامت		
" خیلی از خانواده‌ها هستند که توان تامین هزینه‌های درمان را ندارند و با سختی گذران زندگی می‌کنند. این اقدام احمدی‌نژاد باعث شد که حداقل این خانواده‌ها دغدغه تامین هزینه‌های درمان را نداشته باشند."	تقلیل هزینه‌های درمان		
"هرچند بیمه همگانی سلامت هزینه‌های خیلی از بیماری‌ها را به صورت کامل پوشش نمی‌دهد و تنها درصد کمی از آنها را شامل می‌شود، ولی می‌تواند تا حدودی کمک حال افراد کم توان مالی باشد."	پوشش بیمه‌ای گسترده	دولت یازدهم و دوازدهم	

حوزه دیگر مورد بررسی، حوزه مسکن است. مسکن یکی از ضروری‌ترین نیازهای انسان و به نوعی یکی از حقوق اولیه انسانی است. بعد از خوراک و پوشاک، مسکن سومین نیاز انسانی افراد جامعه است که برای حفظ و بقای فرد و جامعه از اهمیت فراوانی برخوردار است. تامین مسکن مناسب بسته به شرایط بازار مسکن، وضعیت اقتصادی کلان، تحولات جمعیتی و میزان نیاز به مسکن، بسته رویکرد حاکم بر دولت‌ها و ظرفیت‌های درونی آنها متفاوت می‌باشد. در اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دسترسی به مسکن مناسب حق هر خانواده ایرانی محسوب شده است و در بندهای ۲۹ و ۴۲ تامین حداقل سرپناه برای تمام شهروندان ایرانی در حوزه وظایف حاکمیت قرار داده شده است (هزار جریبی و امامی غفاری، ۱۳۹۸: ۷۶). دولت احمدی‌نژاد که رویکرد خود را به تأسی از برنامه چهارم توسعه "عدالت



محوری " معرفی کرده بود، در بخش مسکن به دنبال توسعه عدالت و تامین مسکن ارزان برای همه اقشار جامعه بود. در این طرح، توزیع زمین ارزان بین مردم از طریق تعاونی‌های مسکن و ارائه وام ارزان برای آماده‌سازی زمین و ساخت مسکن را در دستور کار خود قرار داد. ارزیابی نظرات و دیدگاه‌های پاسخگویان نشان می‌دهد که اجرای طرح مسکن مهر در پیاده‌سازی شعار عدالت محوری در حوزه مسکن و توجه به حاشیه‌نشینان و اقشار کم‌درآمد جامعه موفق عمل کرده و "مدیریت توزیع مسکن" موفق بوده است. اقدامات مذکور در توسعه شهرسازی و ایجاد فرصت‌های شغلی و اشتغال‌زایی نقش به‌سزایی داشته است. ارزیابی نظرات و دیدگاه‌های پاسخگویان حاکی از این است که اقدامات صورت گرفته در دولت احمدی‌نژاد در راستای توسعه عمران و شهرسازی بوده است؛ و محدودیت‌ها و موانع موجود بر سر راه توسعه شهری که در این دوره برداشته شده است نه تنها موجب شده که افراد متعلق به طبقات مختلف جامعه صاحب خانه شوند، بلکه بستر اشتغال‌زایی را نیز در استان گیلان فراهم آورد. این در صورتی است که در شرایط بیکاری افراد مجبور به ترک شهر و استان شده و در جستجوی کار به مناطق دیگر مهاجرت می‌کنند.

این در حالی است که تحلیل بر آمده از نظرات مصاحبه‌شوندگان در رابطه با تأثیر سیاست‌های حمایتی دولت‌های دهم و یازدهم نشان می‌دهد که حباب ایجاد شده مسکن مشکلاتی را برای مردم ایجاد نمود. نظرات مصاحبه‌شوندگان حاکی از این است که سیاست‌های مسکن دولت روحانی منجر به بالا رفتن قیمت مسکن و در نتیجه حباب مسکن شد. مشکل دیگر "کاهش ساخت و سازها" است. ارزیابی‌ها حاکی از این است که دولت روحانی در هدایت سیاست حمایتی در حوزه مسکن ناکام بوده است و مسکن که یکی از اساسی‌ترین پیشران‌های اقتصادی بوده و رشد صنعت پستی و پیشینی را در جامعه محیا می‌کند و زمینه اشتغال‌زایی فراوانی در جامعه دارد، با مشکلاتی مواجه بوده است. مقوله مهم دیگر مرتبط با حوزه مسکن، مقوله "تشدید مهاجرت‌های داخلی" است. سالانه میلیون‌ها نفر به دلایل گوناگونی در عرصه‌های مختلف و جغرافیایی جابجا می‌شوند و از روی اجبار یا اختیار محل زندگی و سکونت خود را تغییر می‌دهند. به عبارتی، جابجایی مکان زندگی یا مهاجرت امروزه به جزء جدایی‌ناپذیر بیشتر ساکنان جهان بدل شده است. در زمینه دلایل مهاجرت، بیشتر بر روی مساله اقتصادی توسعه و درآمد مشخصاً در مناطق روستایی اشاره می‌شود. مهاجرت به مثابه یک فرایند می‌تواند ناشی از تنگناهایی باشد که قسمتی از آن به ویژگی‌های وضعیت محلی و قسمتی دیگر با فرصت‌های گوناگون در مراکز شهری مقصد بستگی دارد. در واقع، مهار ساختار و سازوکار پیچیده‌ای دارد و تفسیر آن تنها با متغیرهایی چون درآمد و یا اشتغال ممکن نیست (ایران دوست و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۶).



jscc.2023.1993006.2125/10.30495



## جدول شماره ۲: نمایش فرایند کدگذاری سه گانه در حوزه مسکن

مفاهیم	خرده مفاهیم	گزیده ای از داده های خام متن مصاحبه
حوزه مسکن	مدیریت جامع توزیع مسکن	"اجرای طرح ملی مسکن مهر که از برجسته ترین اقدامات ملی رفاهی و مردم بوده برای همیشه در تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران مؤثر و ماندگار بود به خصوص موجبات مسکن دار شدن درصد بالایی از مردم به خصوص قشر متوسط و ضعیف را داشته است."
	دولت نهم و دهم	در استان گیلان به واسطه ساخت خانه های مسکن مهر و همچنین اقدامات شهری صورت گرفته، ما شاهد توسعه زیاد در این شهر هستیم و دولت احمدی نژاد با دادن وام های کم بهره به مردم کمک کرد تا بتوانند خانه های فرسوده و در حال ریزش خود را بازسازی کنند. این مساله هم از لحاظ امنیت جانی خانواده ها و ساکنین، و هم از لحاظ زیبایی بصری شهر تاثیر زیادی داشته است."
	اشتغال زایی	"مسکن ساخته شده در استان گیلان توسط احمدی نژاد باعث شد که بسیاری از افراد در داخل استان مشغول کار و اشتغال گردند."
	تشکیل حباب مسکن	"به دلیل توقف و عدم استمرار سیاست های دولت قبلی، یعنی یعنی روحانی باعث تورم در مسکن و صنایع وابسته آن شد. در زمان روحانی اسم مسکن مهر به امید تغییر و با توجه به اهمیت سیاست های خارجی در خصوص اقتصاد و فرصت های اساسی مردم اقدام موثری صورت نگرفت."
	دولت یازدهم و دوازدهم	" در دولت روحانی سیاست خاصی در این زمینه به دلیل ایجاد تورم بالا در این بخش، انجام نگردید و توان سرمایه گذاری در تکمیل پروژه های مسکن مهر از زمان به جا مانده از دولت احمدی نژاد بوده است."
		"مسکن ساخته شده در استان گیلان توسط



jscc.2023.1993006.2125/10.30495



احمدی‌نژاد موجب گردید که بسیاری از افراد در داخل استان مشغول کار و اشتغال گردند و در نتیجه موجب جابجایی جمعیت گردید. اما در دوره روحانی این اتفاق بالعکس شد و موجب خارج شدن افراد بومی از روستا گردید."	تشدید مهاجرت داخلی		
---	--------------------------	--	--

سومین حوزه مورد بررسی در رابطه با تاثیر سیاست‌های حمایتی دولت‌های نهم تا دوازدهم، حوزه رفاه و تامین اجتماعی است. از اصول اولیه و مبانی دولت رفاه این است که حداقل امکانات رفاهی برای شهروندان فراهم کرده و نیازهای آنها را تامین کند تا بتوانند با همین حداقل‌ها گذران زندگی کنند؛ بند یک اصل ۴۳ قانون اساسی به خوبی به این موضوع اشاره داشته و اصل ۳۱ نیز بر همین نکته تاکید دارد. همچنین، اصل ۲۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: "برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی و دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تامین کند (امجدی، ۱۳۹۹: ۱۸۷). از جمله سیاست‌های بازتوزیعی و انبساطی دولت احمدی‌نژاد می‌توان به پرداخت یارانه‌ها اشاره نمود (حیدری، ۱۳۹۵: ۸۷۲). قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مهم‌ترین و اساسی‌ترین برنامه دولت احمدی‌نژاد در میان برنامه‌های تحول اقتصادی این دولت بود (نبوی و امینی رارانی، ۱۳۸۹: ۲۷۳). این طرح با هدف فقرزدایی، مهار کردن تورم، تحقق عدالت اجتماعی، اقتصادی کردن تولید و سلامت محیط رقابت، توازن بودجه و کم کردن مصارف غیر لازم مطرح شد (نبوی و امینی رارانی، ۱۳۸۹: ۲۷۱). دولت احمدی‌نژاد با تکیه بر منابع مالی موجود، توانست سیاست‌های خود را در راستای تحول اقتصادی کشور به اجرا در بیاورد که شامل تاسیس صندوق مهر امام رضا، طرح بنگاه‌های زودبازده، طرح مسکن مهر، توزیع سهام عدالت، طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بود. پاسخگویان با ذکر اینکه پردرآمدترین دولت ایران از منظر درآمدهای نفتی در میان دولت‌های پس از انقلاب، دولت احمدی‌نژاد می‌باشد، بر این مساله تاکید دارند که پرداخت یارانه‌ها در ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه و رفع مشکلات اقتصادی اقشار کم درآمد جامعه نقش مهمی داشته است و آن را از اقدامات مهم و موفق دولت احمدی‌نژاد می‌دانند. از جمله پیامدهای سیاست‌های انبساطی می‌توان به گسترش چتر حمایتی برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه اشاره نمود. در راهبرد حمایتی تامین اجتماعی می‌توان از دو بخش مساعدت اجتماعی و ارائه خدمات اجتماعی نام برد. که اقشار آسیب‌پذیر جامعه را به لحاظ



jssc.2023.1993006.2125/10.30495



ناتوانی در کسب درآمد، معلولیت، از کارافتادگی جسمی و ذهنی، کودکان آسیب‌پذیر، خانواده‌های زندانیان شامل می‌گردد. بخش دیگر مساعدت‌های اجتماعی است که شامل کلیه افرادی می‌شود که از حداقل درآمد مکفی بی‌بهره هستند و اشتغال یا عدم اشتغال افراد نقشی در شمول آنها ندارد. در بخش مساعدت‌های اجتماعی، می‌توان به سالخوردگان، بیکاران، از کارافتادگان و افراد بی‌سرپرست و فوت‌شدگان اشاره کرد که مساعدت به این قشر از جامعه از محل بودجه عمومی دولت تامین می‌شود (ملکی طولابی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۶۳). پاسخگویان در زمینه نقش دولت یازدهم و دوازدهم در تامین و رفاه اجتماعی تاکید داشتند که در این دو دوره میزان حمایت از مددجویان نهادهای حمایتی به میزان چشم‌گیری افزایش یافته است. اقدامات مذکور زمینه کاهش فقر و بیکاری را در جامعه فراهم ساخته و باعث شد که مردم و بویژه اقشار آسیب‌پذیر احساس محرومیت نسبی کمتری داشته باشند. احساس محرومیت نسبی یعنی درک تفاوت میان انتظارات ارزشی و توانای‌های ارزشی افراد، ممکن است بر اساس مقایسه وضعیت فعلی فرد با گذشته خود، آرمان‌های انتزاعی یا معیارهایی که توسط یک رهبر یا یک گروه مرجع طراحی شده است ایدئولوژی و ارجاع به گروه‌های دیگر، شکل گیرد (گر، ۱۳۷۷: ۲۷). بر این اساس، ارزیابی نظرات و دیدگاه‌های پاسخگویان حاکی از این است که با توجه به حمایت‌های دولت یازدهم و دوازدهم از اقشار جامعه، بویژه اقشار آسیب‌پذیر، میزان احساس محرومیت نسبی کاهش و به طبع آن میزان رضایت‌مندی در میان قشرهای مشمول این خدمات افزایش یافته‌است.

### جدول شماره ۳: نمایش فرایند کدگذاری سه گانه در حوزه رفاه

مفاهیم	خرده مفاهیم	گزیده ای از داده های خام متن مصاحبه
	دولت احمدی‌نژاد دولت روحانی	تاکید بر سیاست‌های بازتوزیعی و انبساطی
		" دولت احمدی‌نژاد در هدفمندسازی یارانه‌ها و توزیع منابع حاصل از هدفمندسازی یارانه‌ها صرفاً به عدالت بین مردم توجه نمود و خواست که درآمد حاصل از نفت در اختیار تمام اقشار جامعه قرار بگیرد."



jscc.2023.1993006.2125/10.30495



<p>"خیلی از سالمندان و افراد سالخورده هستند که توان کار کردن ندارند و نیازمند حمایت مالی هستند. به اعتقاد من یکی از کارهای مهمی که دولت روحانی توانست انجام بدهد حمایت از مددجویان سازمان های حمایتی بود که امار بالایی از افراد را شامل می‌شوند."</p>	<p>گسترش چتر حمایتی برای مددجویان</p>		
<p>"سیاست‌های کلی اجتماعی و رفاهی دولت روحانی توانست تا حدی به کاهش محرومیت نسبی شهروندان منجر شده و افزایش رفاه و رضایت نسبی آنان را به دست آورد."</p>	<p>کاهش میزان احساس محرومیت نسبی</p>		

آموزش یکی از بنیان‌های اقدامات دولت رفاهی در جهان و ایران به شمار می‌رود و شامل آموزش ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و آموزش عالی است (امجدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۴). یکی از اقدامات دولت نهم و دهم در حوزه آموزش "افزایش زمان تعطیلی در روزهای پنج‌شنبه" بود. این اقدام به پیشنهاد دولت احمدی‌نژاد و با هدف کاهش میزان آلودگی هوا، کاهش هزینه‌های جاری دستگاه‌های دولتی انجام گرفت و علیرغم مخالفت‌های زیاد نسبت به تعطیلی مدارس در روزهای پنج‌شنبه این طرح اجرایی شد. این طرح نیز همچون اقدامات دیگر دولت‌های مذکور از ابعاد و زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته و پاسخگویان به موارد زیر اشاره داشتند. در جهان امروز نگاهی اجمالی به چشم‌انداز سازمان‌ها نشان می‌دهد که اغلب به دنبال توسعه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود هستند تا بتوانند تاثیر بیشتری بر محیط اجتماعی و طبیعی داشته باشند. با توجه به پویایی مراکز آموزشی و بالا بودن هزینه‌های ایجاد فرصت‌های متنوع یادگیری، دولت‌ها توانایی لازم برای پاسخگویی به انتظارات جامعه و تحول آفرینی را ندارند و از این روی، گزینه توسعه مدارس غیرانتفاعی با مشارکت بخش خصوصی مطرح گردید. به این امید که مدارس غیردولتی بتوانند متناسب با نیازهای جامعه، خدمات و برنامه‌های متنوع و با کیفیت ارائه دهند (بزرگی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۹۷). در همین راستا آمار مدارس غیردولتی در دوره‌های نهم تا دوازدهم به صورت نجومی افزایش یافت. پیامد دیگر اقدامات صورت گرفته در حوزه آموزش را می‌توان در اجرایی نمودن سیاست هوشمندسازی و توسعه مدارس تبیین نمود. مدرسه هوشمند به مثابه اصلی‌ترین تظاهر سیاست به کارگیری فاوا در ایران ظهور کرده است و سیاست‌گذاران آموزشی پس از





jssc.2023.1993006.2125/10.30495



یک دهه، ورود جدی آموزش و پرورش را در این عرصه پیگیر شده‌اند به طوری که به عنوان یکی از اقدامات تحولی وزارت آموزش و پرورش در دولت روحانی ذیل "طرح بنیادین نظام تعلیم و تربیت کشور" معرفی شده است. دلیل روی آوردن به مفهوم مدرسه هوشمند شکاف موجود در استفاده از دانش تولید شده در حوزه تعلیم و تربیت است، نه شکاف در دانش. سالیانی است که متخصصان حوزه‌های تعلیم و تربیت درباره تولید دانش تربیتی کار کرده‌اند و نتایج چشمگیری بدست آورده‌اند، اما مدارس ما همچنان با سبک آموزشی صد سال پیش آموزش می‌دهند. مدرسه هوشمند همواره نسبت به فراهم آوردن فرصت‌هایی برای آموزش و یادگیری بهتر، بیدار، گوش به زنگ و هوشمند است و شاخک‌های حساسی برای شکار ایده‌ها و اندیشه‌های نو و تثبیت شده در تقویت فرایند یاددهی- یادگیری دارد (طلائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶).

#### جدول شماره ۴: نمایش فرایند کدگذاری سه گانه در حوزه رفاه

مفاهیم	خرده مفاهیم	گزیده ای از داده‌های خام متن مصاحبه
حوزه آموزش	افزایش زمان تعطیلی مدارس	"در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد روز پنجشنبه هر هفته به تعطیلی مدارس اضافه شد. بسیاری از خانواده‌ها در ابتدا از این امر رضایت نداشتند چون معتقد بودند که ساعت آموزشی کاهش یافته و نمی‌توانند در منزل به درستی فرزندانشان را کنترل کنند اما بعد از گذشت چندین سال از این موضوع تعطیلی امری عادی شده است و استرس و ناآرامی ناشی از آن به شدت کاهش یافته است."
	دولت احمدی‌نژاد افزایش آمار مدارس غیردولتی	"هر دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد، در حالی که با شیوع مدارس غیر انتفاعی این اصل به فراموشی سپرده شد و تنها خانواده‌های مرفه توانستند فرزندان خود را به این مدارس بفرستند."



jssc.2023.1993006.2125/10.30495



<p>دولت روحانی در راستای تحقق دولت الکترونیکی، سعی کرد از فناوری‌های نوین نیز برای ایفای بهتر وظایف آموزشی معلمان خود استفاده کند و با راه‌اندازی بخشی به نام "هوشمندسازی مدارس" تلاش کرد تا اولین قدم را در مسیر دولت الکترونیک در وزارت‌خانه خود بردارد چون بر این باور بودند که مدارس هوشمند با تکیه بر فناوری‌های اطلاعاتی نوین می‌توانند در تسهیل آموزش به معلمان کمک کنند و همچنین ارتباط والدین با معلمان را تقویت و نظارت آنها را بر تحصیل دانش‌آموزان بیشتر کنند."</p>	<p>سیاست هوشمندسازی</p>	<p>دولت روحانی</p>
---	-----------------------------	------------------------

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به اینکه فقر یک مسأله چند بُعدی است و در نتیجه محدودیت‌های زیادی از قبیل محدودیت دسترسی به فرصت‌های شغلی، فقدان برخورداری از مسکن و خدمات مناسب، محیط ناسالم و خشونت‌زا، فقدان برخورداری از رفاه اجتماعی و مکانیسم‌های حمایتی، پزشکی و آموزشی ایجاد می‌شود (موحد و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۰) و موجب بالا رفتن آمار فقر و فلاکت در جامعه می‌شود، در این تحقیق به بررسی تاثیر سیاست‌های دولت نهم تا دوازدهم در حوزه‌های چهارگانه سلامت، آموزش، تامین و رفاه و مسکن پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از این است که پاسخگویان عملکرد سیاست‌های حمایتی دولت‌های مذکور را در حوزه بهداشت و درمان مثبت ارزیابی کرده‌اند. همچنین، از جمله مسائل مهمی که در ارزیابی‌ها به چشم می‌خورد، تاثیر تحریم‌ها بر سیاست‌های اعمال شده می‌باشد. تحریم‌ها تدابیر قهرآمیزی هستند که توسط کشور یا گروهی از کشورها علیه کشوری که به قوانین بین‌المللی تجاوز نموده و یا از معیارهای اخلاقی مقبول تخلف کرده است، اعمال می‌شود. تحریم‌ها به اشکال مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... اعمال می‌شوند. در دهه‌های اخیر، استفاده از تحریم‌های اقتصادی به شدت افزایش یافته است و از این شیوه به عنوان ابزار سیاست خارجی برای برخی از کشورها استفاده می‌شود. تحریم به هر هدفی که باشد، دارای مخاطب است و کشور تحریم‌کننده به دنبال نوعی تغییر رفتار در مخاطب است (باقری و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۲). ارزیابی‌ها حاکی از این است که تحریم‌های اعمال شده علیه کشور ایران در دوره‌های ریاست جمهوری احمدی‌نژاد و روحانی تاثیر منفی داشته و طرح‌های اجرایی را با موانع متعددی روبرو کرده است.



jssc.2023.1993006.2125/10.30495



در حوزه مسکن، اقدامات صورت گرفته توسط دولت‌های مذکور وجهه متضادی داشته اند. از جمله دلایل ارزیابی منفی اقدامات و سیاست‌های حمایتی می‌توان به مشکل تورم در کشور اشاره کرد که موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده و غالباً حالتی نامناسب، مداوم و برگشت‌ناپذیر به شرایط حاکم بر جامعه داده است. این پدیده اقتصادی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان محسوب می‌شود که علاوه بر آثار و پیامدهای اقتصادی، پیامدهای اجتماعی را نیز به دنبال دارد. این مؤلفه حتی در موفقیت یا سقوط دولت‌ها در نظام‌های دموکراتیک تاثیرگذار است تا آنجا که مردم بر اساس عملکرد دولت‌ها در رویارویی با مساله تورم، در مورد ادامه فعالیت سیاستمداران حاضر در مسند قدرت، قضاوت و تصمیم‌گیری می‌کنند (مهربانی، ۱۳۹۰: ۲۰۸). ارزیابی‌های به عمل آمده حاکی از این است که سیاست‌های حمایتی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی در تامین رفاه مردم مثبت بوده است. با وجود فروش نفت و ارزآوری و بالا رفتن ذخیره صندوق ارزی و امکان تامین زمینه‌های رفاه مردم، دولت‌های مذکور، به‌ویژه دولت دهم و یازدهم نتوانستند اقدامات موثری بردارند که تاثیر آن را می‌توان در هزینه‌های خانوارها و پایین رفتن سطح رفاه خانوارها مشاهده نمود.

در مجموع و بر اساس شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه در رابطه با نقش سیاست‌های حمایتی دولت‌های نهم تا دوازدهم می‌توان گفت دولت‌های مذکور به دلایل مختلف مدیریتی، اجرایی، ضعف سیاست گذاری و ... در اجرای سیاست‌های حمایتی در تعدیل میزان فقر و فلاکت در کشور موفق عمل نکرده‌اند. در این میان، عوامل بازدارنده همچون تحریم‌ها بر شدت مشکلات موجود در جامعه افزوده است. به این معنا که ناتوانی در حل مشکلات مسکن و تامین رفاه حال شهروندان، عدم اشتغال‌زایی لازم برای گروه‌های فعال جامعه و برجا ماندن مشکلات عدیده در حوزه سلامت و درمان باعث شده است که فقر و فلاکت در کشور رنگ و روی بیشتری بگیرد و اقشار ناتوان جامعه بیشتر در مشکلات ناشی از آن غوطه‌ور شوند. این ناکامی در اجرای سیاست‌گذاری‌های حمایتی از عوامل بازدارنده‌ای همچون نبود نگرش سیستمی در سیاست‌گذاری‌ها، نگرش کوتاه مدت (کلنگی) به مدیریت حوزه‌ها ناشی می‌شود. این مساله نشان می‌دهد که موفقیت سیاست‌های حمایتی دولت‌ها مستلزم هم‌افزایی و همراهی نهادها و سازمان‌ها متولی با همدیگر، نگرش بلند مدت به مسائل و مشکلات می‌باشد.



jssc.2023.1993006.2125/10.30495



## منابع

- ی، سیدداود؛ جدی، سهیل. (۱۳۸۷)، «فقر در عصر جهانی شدن»، فصلنامه سیاست، ۳۸ (۲)، ۱۶-۱.
- امجدی، حوریه؛ مطلبی، مسعود؛ گنجی، قربانعلی. (۱۳۹۹)، «تحلیل مقایسه‌ای سیاست‌های اجتماعی-رفاهی دولت‌های پایداری و تدبیر و امید در حوزه مسکن»، نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱۴ (۴)، ۹۵-۱۱۶.
- ایراندوست، کیومرث؛ بوچانی، محمدحسین؛ تولایی، روح‌الله. (۱۴۰۱). «تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تاکید بر مهاجرت‌های شهری»، نشریه مطالعات شهری، ۶، ۱۰۵-۱۱۸.
- بابائی، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی اثر شکاف مالی بر شاخص فلاکت. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران. دانشکده علوم اقتصادی و اداری.
- بزرگی نژاد، خدیجه؛ زارعی، رضا؛ امیریان زاده، مژگان؛ خیر، محمد. (۱۳۹۹)، «شناسایی معیارها و شاخص‌های رتبه بندی مدارس غیردولتی از دیدگاه عوامل راهبردی»، نشریه مدیریت مدرسه، ۸ (۱)، ۳۹۶-۴۱۵.
- جنایی، افشین. (۱۳۹۵). «بررسی عملکرد هزینه‌ها و سیاست‌های بودجه‌ای دولت در بخش بهداشت و درمان»، مجله اقتصادی، ۵ (۵۱)، ۲۲-۵.
- جودکی، حسین؛ رشیدیان، آرش. (۱۳۸۹)، «فساد در نظام سلامت: تئوری، روش‌ها و مداخلات»، فصلنامه بیمارستان، ۱۰۰-۸۳.
- حبیبی، عبدالله؛ کریم پور، وحید؛ اکبری، مجتبی؛ طیب زاده، سکینه. (۱۴۰۰)، «بررسی نقش فقر در عوامل جرم‌زا در جامعه ایران»، پنجمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان.
- حیدری، مریم. (۱۳۹۵). ارزیابی اثربخشی سیاست‌های حمایتی بر اندازه فقر در استان کردستان طی برنامه‌های توسعه پس از انقلاب (۱۳۹۲-۱۳۶۸). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران غرب.
- خداداد کاشی، فرهاد. (۱۳۸۸). ارزیابی تأثیر متغیرهای کلان بر حجم فقر در ایران. تهران: دانشگاه پیام نور.
- دهقان، حوریه؛ مختاری، علی؛ باقری دولت‌آبادی، علی. (۱۳۹۹)، «رویکرد اقتصاد سیاسی به سیاست‌های اقتصادی دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد»، نشریه مطالعات اقتصاد بین الملل، ۳ (۲)، ۶۲۷-۵۹۵.
- سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنورد، زهرا؛ نوری، سعید. (۱۳۹۱)، «روش‌شناسی تحقیق کیفی»، مجله پرستاری و مامایی جامعه نگر، ۲۲ (۶۸)، ۶۳-۵۶.



jscc.2023.1993006.2125/10.30495



- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ قربانی گلپور، مهیا. (۱۳۹۵)، «به بررسی تاثیر شاخص فلاکت بر هزینه‌های سلامت در ایران»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۰(۱)، ۱۵۷-۱۳۳.
- شکوری، علی. (۱۳۸۷)، «سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۶ (۶۱).
- شمشاد، معصومه؛ ملک محمدی، ایرج؛ حسینی نیا؛ غلام حسین. (۱۳۹۱)، «شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های موثر بر اشتغال‌زایی در تعاونی‌های منابع طبیعی استان گیلان»، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۷۹، ۱۵۶-۱۴۱.
- شیرعلی، اسماعیل. (۱۳۹۹)، «سیاست‌های تعدیل ساختاری دولت‌سازندگی و شاخص‌های فلاکت اقتصادی در ایران»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۲)، ۱۳۱-۱۰۶.
- طلائی، ابراهیم؛ انصاری، نسرين؛ پهلوان، مکرمه؛ ابوطالبی، زهرا. (۱۳۹۶)، «هوشمندسازی مدرسه در ایران از سیاست‌گذاری تا عمل: مطالعه موردی چندگانه»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۲۷، ۸۰-۱۰۵.
- گر، تدرابرت. (۱۳۷۷). چرا انسانها شورش می‌کنند. مترجم: علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری و دیگری. تهران: نشر نی.
- ملکی طولابی، بختیار؛ پرزاد، رضا؛ حیدریور، ماشالله. (۱۳۹۹)، «سیاست‌گذاری دولت در حوزه تامین اجتماعی در ایران پس از انقلاب بر اساس کدل جزئی-تدریجی»، ۱۴ (۵۱)، ۲۵۷-۲۷۸.
- مهربانی، وحید. (۱۳۹۰)، «تاثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۹۰، ۲۲۷-۲۰۷.
- مهرپور، مجتبی؛ تاجور، مریم. (۱۳۹۷)، «تحلیل سیاست‌گذاری برنامه پزشک خانواده و نظام ارجاع در ایران با استفاده از چارچوب مثلث تحلیل سیاست»، نشریه پژوهش‌های سلامت محور، ۴(۱)، ۴۹-۳۱.
- محمودی عالمی، قهرمان؛ یزدانی چراتی، جمشید؛ حیدریان نایینی، علیرضا. (۱۳۹۹)، «ساختار اجرایی طرح پزشک خانواده با هدف دستیابی به ابعاد کیفیت خدمات در حوزه مراقبت‌های اولیه سلامت»، مطالعه فرا تحلیل، نشریه سازمان نظام پزشکی، ۳۸ (۳)، ۱۷۴-۱۶۱.
- میر، میلاد. (۱۴۰۰)، «شکاف طبقاتی و وضعیت فقر و نابرابری»، ماهنامه امنیت اقتصادی، ۹ (۶).
- میرجلیلی، سید حسین و صفری، امید و سعادت، حسین. (۱۴۰۰)، «بررسی تطبیقی سیاست‌های راهبرد کاهش فقر در کشورهای درحال توسعه و سیاست‌های فقرزدایی برای ایران»، فصلنامه راهبرد اقتصادی، ۱۰ (۳۷)، ۳۸۷-۴۲۳.



jssc.2023.1993006.2125/10.30495



- نبوی، سید حمید؛ امینی رارانی، مصطفی. (۱۳۸۹)، «سیاست‌های اقتصادی و مشکلات اجتماعی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۰ (۳۸)، ۲۶۹-۲۹۱.
- نصرالله‌پور شیروانی، سیدداوود؛ موعودی، سیمین. (۱۳۹۲)، «سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد در نظام سلامت و دستاوردها و چالش‌های آن در ایران»، تهران، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل.
- نوری کوچی، امین. (۱۳۹۷)، «محاسبه شاخص فلاکت ایران و کشورهای افق ۱۴۰۴ و مقایسه عملکرد دولت‌های مختلف بعد از جنگ تحمیلی»، مجله اقتصادی. ۷ و ۸، ۱۱۵-۱۴۱.
- هزار جریبی، جعفر؛ امامی غفاری، زینب. (۱۳۹۸)، «بررسی تحولات سیاست‌گذاری رفاهی مسکن در ایران (۱۳۵۸-۱۳۹۲)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۳۸، ۱۱۹-۷۵.

Congressional Research Center (2023). Introduction to U.S. Economy: Inflation, In focus, <https://crsreports.congress.gov>

Höflmayr, Martin. (2022). Inflation explained: What lies behind and what is ahead? European Parliament Journal, Members' Research Service.

Gweshengwe, B., & Hassan, N. H. (2020). Defining the characteristics of poverty and their implications for poverty analysis. *Cogent Social Sciences*, 6(1), 1768669.

Movahhed, A., Vali Noori, S., Hataminejad, H., Zanganeh, A., & Kamanroodi Kajouri, M. (2016). Spatial analysis of urban poverty in Tehran metropolis. *Journal of Urban Economics and Management*, 4(15), 19-36.